

## ظرفیت‌شناسی فقه ابن تیمیه برای مقابله با اندیشه‌های تکفیری

محمدرضا فلاح تفتی<sup>۱</sup> دانشجوی دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران

دکتر سید محمد حسینی. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

### چکیده

ابن تیمیه یکی از علمای مهم اهل سنت است که از وی به‌عنوان شیخ الاسلام تعبیر می‌شود و دیدگاه‌هایش مورد توجه اهل سنت و بویژه طرفداران تفکر سلفی است. امروزه جریان‌های تکفیری به نظرات وی استناد کرده و دست به کشتار و قتل و غارت می‌زنند. مقاله پیش رو کوشیده است تا با مروری بر آثار ابن تیمیه ظرفیت‌هایی را از فقه وی کشف کند که با استفاده از آن، بتوان جلوی رشد تفکرات تکفیری را گرفت و یا حداقل آنان را از این جهت خلع سلاح نمود. در آثار ابن تیمیه سه نکته وجود دارد که می‌تواند به عنوان ظرفیت مورد توجه قرار بگیرد. این سه عبارتند از: طرح قاعده احترام مال و جان مسلمان، تفکیک میان تکفیر مطلق و معین و توجه به موانع تکفیر. این سه ظرفیت در این نوشتار با توجه به آثار ابن تیمیه بررسی شده است.

واژگان کلیدی: تکفیر، ابن تیمیه، موانع تکفیر، قاعده احترام مال و جان مسلم

گسترش اندیشه تکفیر امروزه به عنوان یکی از معضلات بزرگ در میان مسلمانان مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. رویکرد تکفیری علاوه بر پیامدهای ضدامنیتی و ایجاد آشوب و بلوا در منطقه و جهان، مورد بهره‌برداری دشمنان اسلام برای گسترش اسلام‌هراسی در سطح جهان قرار گرفته است و بنابراین مقابله با این اندیشه وظیفه تمام دلسوزان جهان اسلام است.

یکی از بهترین ابزارها برای مقابله با اندیشه تکفیری استفاده از ظرفیت‌های فقهی اندیشه ابن تیمیه است چرا که ابن تیمیه به عنوان پدر معنوی جریان‌های تکفیری شناخته می‌شود و چنانچه بتوان از نظرات وی اصول و قواعدی را استخراج نمود که در برابر آراء و استنادات تکفیری‌ها عرض اندام نماید عملاً باعث کاهش مشروعیت این جریان‌ها می‌شود و مشخص می‌شود که وهابی‌ها و تکفیری‌ها کاتولیک‌تر از پاپ هستند و خط‌مشی آنان حتی مورد تأیید ابن تیمیه هم نیست.

در این نوشتار کوشیده‌ایم برخی از ظرفیت‌های فقه ابن تیمیه را برای مقابله با اندیشه‌های تکفیری شناسایی و تبیین نماییم.

### معرفی ابن تیمیه

احمد بن عبدالحلیم بن عبدالسلام بن تیمیه حَرَّانِی حَنْبَلِی معروف به ابن تیمیه از علمای اهل سنت در قرن هشتم قمری است. وی دیدگاه‌های خاصی هم در زمینه عقاید و هم در زمینه فروع فقهی داشته است. نظرات وی مورد استناد بسیاری از مروجان تفکر تکفیری در دوره‌های بعدی بوده است.<sup>۱</sup>

### دیدگاه ابن تیمیه در مورد تکفیر

نظرات ابن تیمیه در مورد تکفیر ابعاد متعددی دارد اما با توجه به نکاتی که در آثار وی هست سه ظرفیت در فقه وی وجود دارد که در زمینه مقابله با اندیشه‌های تکفیری قابل استفاده است.

۱- تأسیس اصل کلی در مورد نحوه مواجهه با مسلمانان

۲- تفکیک میان تکفیر مطلق و تکفیر معین

۳- تأکید بر موانع تکفیر

### ظرفیت اول: تأسیس اصل اولیه در مورد نحوه مواجهه با مسلمانان

۱. تکفیری‌های معاصر مانند شکرى مصطفى رهبر جماعه التکفیر و الهجرة و صالح السريه رهبر گروه جهادی الفنيه العسكريه و عبدالله عزام به افکار ابن تیمیه استناد کرده‌اند. ن.ک: سید احمد رفعت، النبى المسلح، ج ۱، الرافضون، ص ۳۴؛ همان، الثائرون، ص ۱۲۹-۱۳۱ و عبدالرحیم علی، حلف الازهاب، ج ۱، ص ۲۲.

ابن تیمیه در مورد نحوه مواجهه مسلمانان با یکدیگر معتقد است که قاعده اولی این است که خون و جان و ناموسشان بر یکدیگر حرام است. (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ق، ۳/۲۸۳)

وی برای اثبات این قاعده به این چند روایت از پیامبر (ص) استدلال می‌کند:

\* پیامبر (ص) در حجه الوداع فرمودند: خون و مال و عرض مسلمانان بر یکدیگر حرام است. (بخاری، ۱/۸۷)

\* هر آن کس که به طرف قبله ما نماز بخواند و از ذبیحه ما استفاده کند مسلمان است و در ذمه خدا و رسولش قرار دارد. (همان)

\* اگر دو مسلمان مقابل هم قرار گرفته و با یکدیگر بجنگند، چه قاتل و چه مقتول، هر دو در آتش اند. سوال شد ای رسول خدا مقتول چرا؟ حضرت فرمودند: زیرا مقتول نیز قصد جان دیگری را کرده است. (نیشابوری، ۴/۲۲۱۳)

\* پس از من، کافر نشوید به گونه‌ای که گردن یکدیگر را بزنید. (بخاری، ۱/۳۵) و به طور معمول گردن زدن بعد از تکفیر یکدیگر محقق می‌شود.

\* هنگامی که مسلمانی، برادرِ مسلمانش را کافر خطاب کند، به تحقیق این خطاب به یکی از آن دو بر می‌گردد. (همان، ۸/۲۶) زیرا خطاب کلمه "کافر" به مسلمان از دو حالت خارج نیست، یا آن شخص سزاوار چنین نسبتی است یا نه، در صورتی که نسبت به دیگری منتفی باشد به شخص خطاب کننده بر می‌گردد.

ابن تیمیه از این روایات چنین استفاده کرده است که هیچ کسی حق ندارد بدون داشتن دلیل قطعی، به یک مسلمان دیگر نسبت کفر بدهد و چنانچه در موردی فردی شک داشته باشد که آیا دیگری کافر است یا نه باید بر اساس این اصل اولی، از نسبت دادن کفر به وی اجتناب کند.

### ظرفیت دوم: تفکیک میان تکفیر مطلق و تکفیر معین

یکی از ظرفیت‌های قابل توجه در فقه ابن تیمیه تفکیک میان تکفیر مطلق و تکفیر معین است. چراکه بر اساس این ظرفیت است که می‌توان تصور کرد فردی عقیده‌ای کفرآمیز داشته باشد اما تکفیر نشود. به این بیان که گاهی اوقات، افراد دارای اعتقاداتی هستند که آن اعتقادات کفرآمیز است اما چون فرد به دلایلی آن اعتقاد کفرآمیز را با علم و آگاهی انتخاب نکرده است بنابراین نمی‌توان وی را تکفیر نمود. ابن تیمیه با طرح این تفکیک ظرفیتی را برای مقابله با تفکر تکفیری فراهم کرده است. ایمن الظواهری نیز با استناد به همین تفکیک، قتل شیعیان را به جرم داشتن عقاید کفرآمیز جایز نمی‌داند. (گروهی از نویسندگان، ۳/۱۳، ۲۰۱۳/۳۱۶)

ابن تیمیه تکفیر را به دو بخش: مطلق و معین تقسیم می‌کند.

تکفیر مطلق: در این نوع از تکفیر، هر کسی که کلامی را بر زبان بیاورد یا فعلی را مرتکب شود یا اعتقادی داشته باشد که با مبانی اسلام در تضاد و تناقض است به کفر وی حکم می‌شود. در این صورت البته فرد خاصی مد نظر نیست. (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ق، ۱۲/۴۸۷)

تکفیر معین: در این نوع از تکفیر، شخص معینی که عملی را در تضاد با اصول و مبانی اسلام انجام داده و به سبب وجود شروط تکفیر در وی و نبود مانع، کافر خوانده می‌شود.

ابن تیمیه، معتقد است که باید میان تکفیر مطلق و معین تفاوت قائل شد؛ یعنی چنین نیست که هر کس فعلی را که منطبق با کفر بود انجام داد، کافر است. وی می‌گوید: «آنچه بزرگان سلف گفته‌اند که اگر کسی فلان چیز را بگوید حکمش فلان است، ناظر به تکفیر مطلق می‌باشد و صحیح است، اما باید میان تکفیر مطلق و معین تفاوت گذاشت.» (ابن تیمیه، ۱۴۰۳ق، ۱/۱۶۴)

از نظر ابن تیمیه با وجود دو شرط می‌توان یک فرد را به طور معین تکفیر نمود. این دو شرط عبارتند از:

#### شرط اول: وجود قصد نسبت به معنای کفر آمیز

تکفیر حکم شرعی است و تا یقین به کفر شخصی نباشد امکان انتساب عنوان کفر به یک شخص وجود ندارد. ابن تیمیه با طرح این شرط تکفیر این چند دسته را غیر مجاز می‌شمارد:

۱- فردی که سخنی کفرآمیز بر زبان آورده است اما معنای دیگری غیر از معنای کفر آمیز، قصد کرده است. (ابن تیمیه، ۱۴۱۷ق، ۳۴۱-۳۴۲)

۲- فردی که کلامی را به زبان جاری نموده که مستلزم امور کفر آمیزی شده است، ولی آن‌ها را قصد نکرده است و بدان ملتزم نیست. (مشعبی، ۱۴۱۸ق، ۲۰۹-۲۱۱)

۳- اگر سخنی دارای وجوه مختلفی است که برخی از آن‌ها کفرآمیز است و برخی دیگر کفرآمیز نیستند، باید حتماً قصد متکلم از سخن مشخص شود که آیا معنای کفر آمیز را ارائه کرده است یا معنای غیر کفرآمیز. (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ق، ۲/۶۵۹)

#### شرط دوم: اتمام حجت بر کافر معین

ابن تیمیه معتقد است که قیام حجت در حق کفار همان وجود رسول مبلغ و تمکن از شنیدن و تدبر در فرمایشات ایشان است و به صرف تمکن از شنیدن، حجت بر آن تمام نمی‌شود. (همان، ۱۶۶/۱۶)

در تکفیر مسلمانان بایستی وضعیت آنان لحاظ شود: قریب العهد بودن مسلمان به اسلام، جاهل قاصر یا مقصر بودن و هم چنین فعل مورد انکار از حیث ظهور و خفا مورد ملاحظه قرار گیرد، اگر فعل مورد انکار، برای شخص مبهم و مخفی باشد یا در منطقه‌ای که به چنین مسائلی جهل دارند زندگی می‌کند و یا این که شخص قریب الاسلام باشد و اصلاً چنین مسئله‌ای

به گوشش نرسیده باشد، در تکفیر او قیام حجت شرط است و در غیر آن صورت، می‌بایست بررسی کرد، شاید انکارش به جهت شبهه‌ای است که دچار آن شده است. (همان، ۶۰/۶-۶۱)

ابن تیمیه در جای دیگر از مجموع الفتاوی می‌نویسد:

«هیچ کس حق ندارد مسلمانی را تکفیر کند اگرچه دچار خطا و اشتباه شده باشد، تا این که حجت بر او تمام شود و حق برایش روشن گردد و هر آن کس که اسلامش یقینی است با شک در اسلامش، اسلام او زایل نمی‌شود، بلکه تنها با اقامه حجت و بر طرف شدن شبهه، اسلامش از بین می‌رود.» (همان، ۴۶۶/۱۲)

ابن تیمیه برای اثبات اشتراط قیام حجت در تکفیر، به آیاتی مانند وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا (اسراء، ۱) و فَذَكِّرْ إِنَّ نَفْعَتِ الذِّكْرِی (اعلی، ۹) استدلال کرده است. (همان، ۱۱۳/۱؛ ۱۶۱/۱۶-۱۶۲)

به هر حال تکفیر معین هر شرطی هم داشته باشد از تکفیر مطلق تفکیک شده است و این تفکیک لوازمی را در پی دارد که ابن تیمیه هم به این لوازم پایبند است از جمله:

۱- ابن تیمیه معتقد است که برخی از دیدگاه‌های جهیمیه- که از نظر وی، به صورت مطلق کفر است- مانند اعتقاد به خلق قرآن، انکار رؤیت خدا و انکار حضور خداوند بر عرش، موجب نمی‌شود که معتقد به این امور، کافر باشد؛ مگر آن که حجت بر تکفیر وی تمام باشد. (ابن تیمیه، ۱۴۰۳ق، ۱۶۴/۱)

۲- ابن تیمیه هم چنین عقاید باطنیه را کفر می‌داند، ولی حکم به تکفیر افراد باطنی را مشروط به ثبوت شروط تکفیر و از میان رفتن موانع تکفیر می‌داند. (ابن تیمیه، ۱۴۱۵ق، ۳۵۳-۳۵۴)

۳- ابن تیمیه در جایی دیگر، تکفیر افراد معین را- هر چند افراد دیدگاه‌های بدعت‌آمیز داشته باشند- جایز نمی‌داند و معتقد است که هیچ کس نمی‌تواند احدی از مسلمانان را تکفیر کند، هر چند خطاکار باشند، تا وقتی که حقیقت برای آنها تبیین شود و شبهه زدوده گردد. (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ق، ۱۶۵/۳۵)

### ظرفیت سوم: تأکید بر موانع تکفیر

ابن تیمیه موانعی را نیز برای تکفیر بیان می‌کند، که در صورت وجود آنها، نمی‌توان فردی را کافر شمرد. این موانع عبارتند از: خطا، تأویل، اکراه و جهل.

### مانع اول: خطا

از دیدگاه ابن تیمیه خطا یعنی این که شخصی ناخواسته و بدون قصد، کاری کفرآمیز انجام دهد، و فرق نمی‌کند که خطا در مسائل علمی یا عملی باشد؛ در هر دو صورت عذر آور است، البته تا زمانی که حجت بر شخص تمام نشده باشد.

#### ادله

ابن تیمیه برای اثبات مانعیت خطا به ادله ذیل تمسک کرده است:

الف: آیه (وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ) (احزاب، ۵)

براساس این آیه آنچه از روی خطا سرزند اصلاً گناه محسوب نمی‌شود تا چه رسد به اینکه بر طبق آن فرد مورد تفکیر واقع شود.

ب: حدیثی که مسلم در صحیح خود آورده است. در این حدیث آمده که شخصی به خداوند می‌گوید: خدایا! تو بنده منی و من خدای تو. (مسلم بن حجاج، ۹۱/۸)

این سخن هم چون از روی خطا و لغزش زبان و به سبب شدت خوشحالی گفته شده است، خداوند او را مؤاخذه نمی‌کند، و چنین حالتی مانع تکفیرش است. (ابن تیمیه، ۱۴۲۲ق، ۲۲۵/۱)

#### مانع دوم: اکراه

ابن تیمیه یکی از موارد دیگری را که برای شخص معذوریت می‌آورد اکراه می‌داند؛ وی اکراه را این گونه تعریف می‌کند:

اکراه یعنی این که فردی تحت فشار و اجبار شخص دیگری کاری کفرآمیز انجام دهد به گونه‌ای که اختیار و رضایت مکره منتفی گردد، البته بدون این که خطاب از او برداشته شود یا اهلیت‌ش برای تکلیف ساقط گردد، در این صورت مؤاخذه نخواهد شد.

ابن تیمیه اکراه را به دو نوع تقسیم می‌کند:

اکراه تام: هرچیزی که انجام ندادن آن توسط شخص مکره، منجر به قتل، قطع عضو یا ضربه‌ای که خوف تلف نفس خواهد داشت؛ این نوع اکراه، اضطرار و الجا را در پی دارد.

اکراه ناقص: هرچیزی که انجام ندادن آن توسط شخص مکره، منجر به حبس، گرفتاری یا ضربه‌ای که خوف تلف نفس در آن نباشد؛ این نوع از اکراه اضطرار و الجا را به دنبال ندارد.

بنابر نظر ابن تیمیه اکراه تام مانع از تکفیر است. (الشهود، ۶۶/۱)

۱. «و هو أن يقصد شيئاً فيصاف غير ما قصد، و هو بالاختصار: انتفاء القصد كمن يريد رمي صيد فيصيب إنساناً، أو كمن يريد رمي كتاب كفر فيرمي كتاب الله جلّ وعلا».

ابن تیمیه برای اثبات مانعیت اکراه به ادله ذیل تمسک کرده است:

الف: آیه (مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ) (نحل، ۱۰۶)؛ هر کس پس از ایمان آوردن، به خدا کفر ورزد [عذابی سخت خواهد داشت] مگر آن کس که مجبور شده و [اما] قلبش به ایمان اطمینان دارد، ولی هر که سینه‌اش به کفر گشاده گردد خشم خدا بر آنان است و برایشان عذابی بزرگ خواهد بود.

ب: اتفاق علما

علما اتفاق نظر دارند که اگر فردی به اکراه کلمه‌ای کفرآمیز بگوید، گفتن آن کلمه باعث تکفیر وی نمی‌شود و نمی‌توان وی را کافر دانست. (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ۶۰۶/۲؛ بغوی، ۱۴۰۷ق، ۴۶/۵)

مانع سوم: تأویل

تأویل در اصطلاح معانی متعددی دارد که در مجموع می‌توان سه معنای اصطلاحی برای آن در نظر گرفت (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ق، ۶۸/۴)

۱. تأویل یعنی رجوع به معنای حقیقی، اگرچه آن معنای حقیقی موافق با ظاهر هم باشد؛

۲. مراد از تأویل، همان تفسیر است؛

۳. تأویل یعنی برگرداندن لفظ از معنای ظاهری به معنایی مخالف ظاهر. این معنا مشتمل بر دو قسم است:

دسته اول: برگرداندن از معنای ظاهری به سبب وجود دلیل.

دسته دوم: برگرداندن از معنای ظاهری بدون وجود دلیل. (ابن عثیمین، ۱۴۳۵ق، ۹۲/۱)

از بین معانی مطرح شده، آنچه در بحث موانع تکفیر مقصود است، دسته اول از معنای سوم می‌باشد. اما برگرداندن به

معنای مخالف ظاهر، بدون هیچ دلیلی، تأویل نیست، بلکه در واقع تکذیب دلیل محسوب می‌شود. (همان)

تقریباً همه علما اتفاق نظر دارند بر اینکه شخص متأول به ویژه مجتهد اگر در مسئله‌ای تأویل کرد تکفیر نمی‌شود. ابن

تیمیه نیز تأویل را مانع از تکفیر می‌داند. (ابن تیمیه، ۱۴۱۷ق، ۳۲۸)

ابن تیمیه برای اثبات مانعیت تأویل به ادله ذیل تمسک کرده است:

الف: آیه قرآنی (رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا) (بقره، ۲۸۶). استدلال ابن تیمیه به این آیه با توجه به این نکته است که تأویل نوعی خطای در اجتهاد است. (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ق، ۴/۵۸)

ب: سنت پیامبر (ص) و خلفا در بخشش فرد متأول از جمله: جریان قتل بنی جذیمه توسط خالد بن ولید (بخاری، ۱۴۲۲ق، ۵۶/۸)، قتل مالک بن نویره، کلام صحابه به یکدیگر «انت منافق»، قتل عثمان توسط برخی از صحابه و موارد دیگر که به سبب تأویلشان عتاب و مؤاخذه نشده‌اند. (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ۶/۸۹)

ج: سیره سلف که دلالت بر مانعیت تأویل برای تکفیر دارد برخی مسلک تکفیر را در پیش گرفته و همه اهل تأویل، یعنی کسانی که در مسائل اعتقادی اجتهاد می‌کنند و در اجتهادشان دچار خطا می‌شوند و کسانی را که از کیش آنان خارج هستند، تکفیر کرده‌اند، ولی این، همان نظریه خوارج و معتزله و جهمیه است و طایفه‌ای از اصحاب ائمه اربعه نیز چنین شیوه‌ای را اختیار کرده‌اند، اما چنین چیزی را از هیچ یک از صحابه و تابعین و ائمه مسلمانان سراغ نداریم؛ این هرگز دیدگاه ائمه اربعه و دیگران نیست، بلکه عبارات آنان آشکارا در تضاد با این نظریه است. (همان، ۲۴۰/۵)

ابن تیمیه با توجه به مجموعه ادله مربوط به تأویل اعتقاد دارد:

۱- تأویل مانع از تکفیر، اختصاص به اهل علم و مجتهدین دارد و دیگران را که کلام را از روی جهل و هوای نفس بر زبان جاری می‌کنند شامل نمی‌شود، زیرا در واقع مجتهد مقتضای یک دلیل را با دلیل دیگری که قوی‌تر از دلیل قبلی باشد ترک می‌کند.

۲- تأویلی معتبر است که وجه درستی در شرع و زبان عربی داشته باشد، اما تأویلی که قرینه شرعی و لغوی نداشته باشد، معتبر نیست؛ مانند: تاویلات باطنیه.

۳- در تأویل فرقی میان اصول و فروع نیست. وی می‌گوید: «در مسائل اعتقادی، بسیاری از مردم، متأولین را تکفیر کردند، که البته چنین کاری (تکفیر متأولین) در کلام صحابه و تابعین و ائمه مسلمانان یافت نمی‌شود و چنین عملی از اعمال اهل بدعت (خوارج، جهمیه، معتزله) است که عمل بدعت آمیز انجام می‌دهند و دیگران را تکفیر می‌کنند.»

### مانع چهارم: جهل

ابن تیمیه جهل را نیز از اموری می‌داند که مانع از تکفیر می‌شود. (عبدالله بن احمد، ۷۴۵)

ادله

ابن تیمیه به ادله ذیل تمسک کرده است:

الف: آیات (رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا) (نساء، ۱۶۵) و (وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا) (اسراء، ۱۵)



ابن تیمیه بر اساس این دو آیه می‌گوید: «خداوند عقوبت را از کسی که دعوت انبیا به گوشش نرسیده باشد، نفی کرده است و به طریق اولی عقوبت از کسی که مؤمن باشد و نسبت به مسئله‌ای از مسائل دینی با خبر نشده باشد و آن را انکار کند برداشته است.» (مشعبی، ۱۴۱۸ق، ۲۵۲)

ب: حدیث ابوهریره<sup>۱</sup>

حدیث ۱: پیامبر (ص) بنا بر نقل ابوهریره فرمودند: «مردی بسیار گناه کرده بود، هنگام مرگ به فرزندانش گفت: پس از مرگ مرا بسوزانید و استخوان‌هایم را بسایید و خاکسترم را به باد دهید، زیرا اگر خداوند بر من دست بیابد، مرا چنان عذاب می‌دهد که کسی را عذاب نداده است. فرزندانش پس از مرگ وی چنین کردند، خداوند متعال به زمین دستور داد که تمام ذرات او را فراهم کند و زمین نیز چنین کرد و ناگاه آن مرد زنده شد، خداوند از او پرسید: چرا چنین کردی؟ گفت: ای پروردگارا! به خاطر ترس از تو؛ به این سبب خداوند او را بخشید.» (بخاری، ۴۲۲ق، ۱۷۶/۴)

ابن تیمیه پس از نقل این حدیث می‌گوید: «این شخص قدرت خداوند و زندگی پس از مرگ را انکار کرد و این قطعاً کفر است، ولی چون انکارش از روی ناآگاهی بود، خداوند او را بخشید. از این رو بخشش خداوند بهترین دلیل است بر این که آن شخص کافر نیست، زیرا اگر کافر بود خداوند او را نمی‌بخشید.» (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ق، ۳/۲۳۱)

حدیث ۲:

ابوهریره نقل کرده است که عده‌ای از پیامبر (ص) سؤال کردند: آیا خداوند را روز قیامت می‌توان دید؟ پیامبر (ص) فرمودند: آیا در رؤیت ماه شب چهارده شک دارید؟ گفتند: نه یا رسول خدا، حضرت دوباره فرمودند: آیا در رؤیت آفتاب شک دارید؟ گفتند: نه ای پیامبر خدا، حضرت فرمودند: بی‌شک روز قیامت او را با دو چشمانتان خواهید دید. (نیشابوری، ۱۶۳/۱)

ابن تیمیه در ذیل این حدیث، می‌نویسد: ایمان، از احکامی است که به خداوند و پیامبر (ص) اختصاص دارد و هیچ کس حق ندارد در این مورد به ظن خود عمل کند و بر کسانی که کلمه کفر آمیز بر زبان جاری می‌کنند حکم کافر بار نمایند، تا این که شروط تکفیر بر وی ثابت شود و موانع از آن برطرف گردد. بنابراین کسی که بگوید خمر یا ربا حلال است و کلامش از روی جهل باشد یا کلامی را انکار کند که به اعتقادشان در قرآن و احادیث پیامبر (ص) وجود ندارد، همان گونه که سلف بدان دچار می‌شدند و بعد از آن از پیامبر (ص) می‌پرسیدند، چنین شخصی تکفیر نمی‌شود. (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ق، ۳۵/۱۶۵-۱۶۶)

ابن تیمیه با توجه به مجموعه ادله در مورد جهل اعتقاد دارد:

۱. ذکر این نکته ضروری است که نقل این روایات تنها به خاطر این است که این احادیث در کتب ابن تیمیه نقل شده است و به معنای تأیید آن نیست.

۱- جهل از سر قصور و یا جهل مرکب مانع از تکفیر است اما اگر کسی بتواند جهل خود را برطرف کند و کوتاهی نماید و به اصطلاح جهل از روی تقصیر باشد جهل چنین فردی مانع از تکفیر نیست. (همان، ۲۸۰/۲۰)

۲- در مواردی که جهل مانعیت دارد تفاوتی نمی‌کند که این جهل نسبت به اصول باشد یا فروع. ابن تیمیه در رد سخن کسانی که میان جهل در اصول و جهل در فروع تفکیک قائل می‌شوند، می‌نویسد: « فرقی قائل شدن بین مسائل اصول و فروع صحیح نیست، زیرا چنین اصلی، نه در کلام صحابه و تابعین و نه در کلام بزرگان یافت نمی‌شود، بلکه از معتزله و اهل بدعت گرفته شده و این فرق گذاری یک نوع تناقض گویی است. » (همان، ۳۴۶/۲۳)

۳- یادگیری برخی مسائل فرعی بر تمام مردم ضروری نیست و مردم چنین جاهلی را گناه کار یا کافری که از دایره اسلام خارج شده به حساب نمی‌آورند. در چنین مواردی، جهل مُعَدَّریت می‌آورد و شخص جاهل تکفیر نمی‌شود. (حلیمه، ۴۵)

۴- ابن تیمیه معتقد به مدخلیت مکان و زمان در مانعیت جهل است و می‌گوید اگر فردی در منطقه‌ای زندگی می‌کند و وصول علم به آن امکان پذیر نباشد و نیز قدرت هجرت به منطقه‌ای که در آن علم منتشر می‌شود را ندارد، چنین شخصی اگر کار کفر آمیزی انجام دهد تا زمان اتمام حجت (ابلاغ حکم شرعی) معذور است، ولی اگر همین شخص قدرت هجرت داشته باشد و موانع معتبر شرعی (مکره یا ترس بر جان و خانواده خویش داشته باشد) برای عدم هجرت نداشته باشد، با این حال برای یادگیری علم هجرت نکند، معذور نیست. (ابن تیمیه، ۴۱۶/۱۶، ۵۰۰/۲۸)

#### نتیجه

آنچه از مجموع آثار و نوشته‌های ابن تیمیه بر می‌آید این است که وی از نظر شیوه علمی کوشیده است که تا حدودی راه را بر روی برخی افراطی‌گری‌ها در مساله تکفیر ببندد. وی اصل اولیه را این گذاشته است که کسی حق تعرض به مال و جان و ناموس مسلمان دیگری را ندارد و قاعده اولیه احترام به مال و جان مسلمان است. وی با تفکیک میان تکفیر مطلق و تکفیر معین زمینه سوء استفاده از این حکم را برای توده مردم بست و با طرح موانعی مانند جهل و تاویل امکان تکفیر را تا حدود زیادی مضیق نمود. البته خود ابن تیمیه در سیره عملی خود چندان به این منهج علمی پایبند نبوده است و گاهی دست به تکفیرهایی زده است که بر اساس موازینی که خود مطرح کرده است هیچ توجیهی ندارد اما به هر حال راهی که وی در مورد تکفیر از نظر علمی مطرح کرده است دارای ظرفیت‌های بالایی برای مقابله با تفکر گروه‌های تکفیری است. توجه به این ظرفیت‌ها و پررنگ کردن آن در فضای رسانه‌ای و در میان اهل سنت می‌تواند باعث توقف حمایت و یا حداقل تردید در میان اهل سنت برای پیوستن به جریانات تکفیری شود و به کاهش بحران در مناطق آسیب‌دیده از تکفیر کمک کند.

## منابع

١. قرآن كريم
٢. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، الاستغاثه فى الرد على البكرى، تحقيق عبد الله بن دجين السهيلي، چاپ اول: دار الوطن للنشر، رياض، ١٤١٧ق
٣. -----، الاستقامه، تحقيق محمد رشاد سالم، چاپ اول: جامعه الإمام محمد بن سعود، مدينه منوره ١٤٠٣ ق.
٤. -----، بغية المرتاد فى الرد على المتفلسف و القرامطه و الباطنيه، تحقيق موسى دويش، چاپ سوم: مكتبة العلوم و الحكم، مدينه منوره ١٤١٥ ق.
٥. -----، جامع الرسائل، تحقيق محمد رشاد سالم، چاپ اول: دارالعتاء، رياض، ١٤٢٢ق.
٦. -----، كتب و رسائل و فتاوى شيخ الإسلام ابن تيميه، تحقيق عبدالرحمن بن محمد بن قاسم عاصمى نجدى، مكتبة ابن تيميه [بى تا].
٧. -----، مجموع الفتاوى، تحقيق عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، مدينه منوره ١٤١٦ ق.
٨. -----، منهاج السنه النبويه فى نقض كلام الشيعة القدرية، تحقيق محمد رشاد سالم، چاپ اول: جامعه الإمام محمد بن سعود الإسلامية، ١٤٠٦ ق.
٩. ابن كثير دمشقى، اسماعيل بن عمرو، تفسير القرآن العظيم، تحقيق محمد حسين شمس الدين، چاپ اول: دارالكتب العلمية، منشورات محمدعلى بيضون، بيروت ١٤١٩ ق.
١٠. بخارى، محمد بن اسماعيل، صحيح البخارى، تحقيق محمد زهير بن ناصر، چاپ اول: دار طوق النجاة، ١٤٢٢ ق.
١١. بغوى، حسين، معالم التنزيل (تفسير بغوى)، تحقيق خالد عبدالرحمن العك، بيروت ١٤٠٧ ق.
١٢. ترمذى، محمد بن عيسى، سنن الترمذى، تحقيق بشار عواد معروف، دارالغرب الإسلامى، بيروت ١٩٩٨ م.
١٣. سندی، حاشية السندی على سنن ابن ماجه، چاپ دوم: دارالجيل، بيروت [بى تا].
١٤. عبدالله بن احمد، السنه، نرم افزار مكتبه شامله.
١٥. عبدالمنعم مصطفى حليمه، العذر بالجهل وقيام الحجة، نرم افزار مكتبه شامله.
١٦. على بن نايف الشحوذ، أحكام المرتد عند شيخ الإسلام ابن تيميه، نرم افزار مكتبه شامله.
١٧. گروهى از نویسندگان، الحركات الاسلاميه فى الوطن العربى، چاپ اول: مركز دراسات الوحده العربيه، بيروت، ٢٠١٣ م.
١٨. محمد ابن عثيمين، فتاوى أركان الإسلام، چاپ دوم: مؤسسه شيخ محمد بن صالح العثيمين الخيري، قسيم، ١٤٣٥ ق.
١٩. مشعبى، عبدالمجيد بن سالم بن عبدالله، المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله (ص)، تحقيق محمد فؤاد عبدالباقي، دار إحياء التراث العربى، بيروت [بى تا].
٢٠. -----، منهج ابن تيميه فى مسئلة التكفير، چاپ اول: مكتبة اضواء السلف، رياض ١٤١٨ ق.
٢١. نسائى، احمد بن شعيب، السنن الصغرى، تحقيق عبد الفتاح أبو غده، چاپ دوم: مكتب المطبوعات الإسلامية، حلب ١٤٠٦ ق.
٢٢. نيشابورى، مسلم بن الحجاج، صحيح مسلم، دارالجيل، بيروت [بى تا].